هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

سرمقاله

اقدام پارلمان در رد کابینه مورد استقبال مردم قرار گرفته است

ص۲

کنفرانس لندن

اعلان تصامیمی که قبلاً گرفته شده است

ص۲

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ چهل و یکم ۱۹ جدی- ۱۳۸۸ – ۲۳ محرم الحرام ۱۴۳۱ 9- January 2010

سازمان ملل خواستار تغییرات اساسي در کمیسیون انتخابات افغانستان گردید

سخنگوی دفتر نمایندگی سازمان ملل در افغانستان، کمک جامعهٔ جهانی به کمیسیون انتخابات را مشروط آوردن اصلاحات اساسی در این کمیسیون اعلام کرد.

علیم صدیق سخنگو ی این سازمان که، روز پنجشنبه هفتهٔ گذشته در یک نشست مطبوعاتی سخن می گفت، آوردن تغییرات در کمیسیون انتخابات افغانستان را برای شفافیت در انتخاباتی پارلمانی بهار آینده ضروری خواند.

سخنگوی سازمان ملل تصریح کرد، اصلاحات مورد نظر آن سازمان شامل تمام سطوح کمیسیون انتخابات بوده، مسؤلین و مقامات ردهٔ بالای این کمیسیون را نیز در بر می گیرد.

در انتخابات ۲۹ اسد ریاست جمهوری امسال، تقلب ها و قانون شکنی های گستردهٔ در انتخابات صورت گرفت که بدون دست داشتن رهبری این کمیسیون، آن تقلب های گسترده نا ممکن به نظر می رسید، از دید صاحب نظران و کاندیدان مخالف حکومت، مخصوصاً داکتر عبدالله، اعضای هئیت رهبری کمیسیون در تقلب دست داشته و بصورت گستردهٔ از کرزی حمایت کردند.

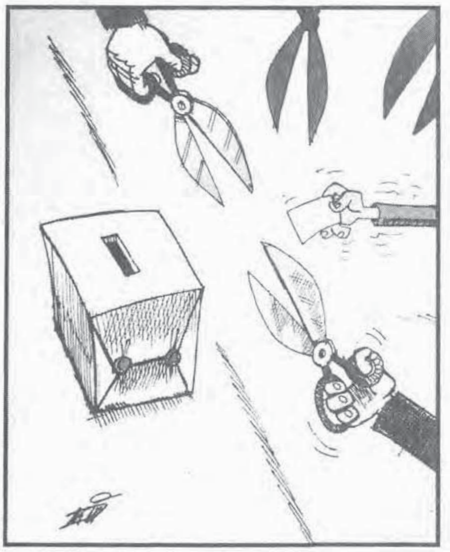
این کمیسیون سر انجام بشکل غیر قانونی حامد کرزی را برندهٔ انتخابات اعلان نمود.

تقلب در انتخابات ریاست جمهوری از طرف منابع بیطرف داخلی و خارجی عنوان شد و سر انجام کمیسیون شکایات انتخاباتی نیز آن را تأیید کرد.

کمیسیون انتخابات تا هنوز از پذیرفتن مسؤلیت تقلب خود داری نموده ادعا می کند برخی از تخلفاتی که صورت گرفته توسط افراد پایین رتبه آن کمیسیون انجام شده و به دلیل آن، متخلفین بر کنار گردیدند.

هیچ کس اطمنان ندارد که بدون بر کناری رهبری کمیسیون و آوردن اصلاحات در شیوه های کار و قوانین و طرزالعمل های انتخاباتی مانند، توزیع کارت، ثبت رای دهندگان و جریان رای گیری، نظارت بر شمارش آراء و اعلان نتایج انتخابات، شفافیت انتخابات در افغانستان تأمین شود.

اگر چنانچه دولت آقای کرزی به چنین تغییرات اساسی تن در ندهد مسلم می شود که، حکومت به هیچ وجه قصد ندارد در انتخابات های آینده دست از تقلب بردارد و به آرای مردم احترام بگذارد، در این صورت اعتماد مردم و گروه های سیاسی جامعه افغانستان بصورت کامل از میان می رود و در خارج نیز دموکراسی افغانستان به مضحکهٔ تبدیل خواهد شد و دولت های حامی حکومت کرزی، در قانع ساختن مردم خویش برای حمایت از انتخابات ص ۳



راتلونکي پارلماني ټاکنې، د ولسمشرۍ او ولایتي شوراګانو د تیرو ټاکنو په هنداره کې

ایجاد یک ادارهٔ ملکی توسط ناتو در افغانستان

بان کی مون سر منشی سازمان ملل در گزارش اخیر خویش در بارهٔ افغانستان که هفته گذشته منتشر شد، پیشنهاد کرده است، سازمان ناتو یک هماهنگ کننده ملکی در افغانستان تعیین نماید.

سر منشی سازمان ملل گفته است تعیین یک نمایندهٔ ملکی از سوی ناتو، می تواند تلاشهای ملکی را جهت توسعه افغانستان و توانمندی دولت تقویت نموده و وضعیت را بهبود بخشد.

بان کی مون در این گزارش بر ضرورت تقویت هماهنگی بین المللی به رهبری سازمان ملل در افغانستان تأیید نموده و گفته است باید حمایت دولت افغانستان نیز جلب گردد.

پیشنهاد سرمنشی سازمان ملل در آستانهٔ برگزاری کنفرانس بین المللی لندن در مورد افغانستان، تمایل جامعه جهانی برای توجه بیشتر به افغانستان را نشان میدهد، گفته می شود این پیشنهاد با استقبال کشور های عضو ناتو و همچنان شرکت کنندگان کنفرانس لندن قرار خواهد گرفت. اما پیش بینی می شود حکومت افغانستان از ایجاد چنین پستی خوشنود نباشد و آن را نوعی چالش در برابر قدرت خویش بداند. حامد کرزی در سخنرانی مراسم تحلیف خویش از آنچه آن را حکومت موازی توسط خارجیان خواند انتقاد نمود.

ردِ ۷۰ درصد کابینهٔ پیشنهادی و دسته بندی های نمایندگان مردم در مجلس

ص۳

توقیعات خراسانی و تأثیر آن بر ادب عربی

ص۴

تهاجم قانونی غرب در کشورهای اسلامی

ص ۵

رأی اعتماد و عدم اعتماد

پیروزی ائتلاف خارجی و شکست ائتلاف داخلی

حسینی

روز شنبه ۱۲ جدی، ولسی جرگه به کابینهٔ پیشنهادی آقای کرزی رأی داد. از جمع ۲۴ وزیر فقط به هفت وزیر رأی اعتماد داده شد و به هفده وزیر دیگر رأی عدم اعتماد!

رأی عدم اعتماد به هفتاد درصد نامزد وزیران، واکنش های متفاوتی را در سطح جامعهٔ افغانی به دنبال داشت. جمعی از آن استقبال کردند و جمعی دیگر اظهار ناراحتی.

در دنیا و در رسانه های جمعی کشورها نیز این موضوع بازتاب وسیع داشت. افغانستان که به یک کشور جنگ دیده و در حال بحران معروف است و دنیا تحت نام و شعار دموکراسی و بازسازی و مبارزه با تروریسم به اینجا آمده و دولت و حکومت افغانستان و بار عظیم مشکلات و گرفتاری ها و مصارف و مخارج آن را به دوش می کشند و.... همه توقع و انتظار داشتند که پس از انتخابات جنجال برانگیز و توأم با تقلبات گسترده و سازمان یافته و هوشمند (ریاست جمهوری) و سوال مشروعیت رئیس جمهور معرفی شده که رأیی به دست نیاورده و فقط کمیسیون انتخابات او را به حیث رئیس جمهور معرفی کرده و .... به وزرای پیشنهادی رئیس جمهور تحمیل شده، برای عبور از بحران های ص ۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

اقدام پارلمان در رد کابینه مورد استقبال مردم قرار گرفته است

شنبه هفته گذشته مجلس نمایندگان به ۲٤ وزیر پیشنهادی آقای کرزی رای داد، در نتیجه ۷ وزیر رای تأیید دریافت کردند و ۱۷ وزیر دیگر رد شدند.

رد ۷۰ در صد کابینهٔ پیشنهادی آقای کرزی که یک سر افگندگی آشکار برای او و اشخاص و گروه های ائتلافی دانسته می شود، اقدام غیر مترقبه ای بود که برای نخستین بارآن هم در ماه های آخر کار مجلس دیده شد.

هر چند که برخی ها این اقدام پارلمان را مورد انتقاد قرار دادند، از جمله ادعا شده است که در موضع گیری شماری از نمایندگان در برابر وزرای پیشنهادی، گرایشهای قومی و زبانی اثر گذار بوده است . همچنان منتقدان رد برخی از وزرا که کارنامهٔ موفقی داشتند مانند وزرای انرژی وآب، مخابرات و عدلیه و رای آوردن شماری دیگر از وزرا را که شایستگی لازم را نداشتند به عنوان جوانب منفی این اقدام پارلمان ذکر کردند؛ همچنان این انتقاد مطرح شده است که برخلاف تصمیم قبلی نمایندگان، اسناد تحصیلی و تابعیت دو گانهٔ برخی وزرا مورد توجه قرار نگرفت.

با آن که نمی توان این انتقادات را کاملاً رد کرد، اما باید خاطر نشان ساخت که این اقدام پارلمان جنبه های مثبت مهمی داشت که باعث جلب رضایت اکثر شهروندان شده است.

شاید مهمترین پیام این اقدام نمایندگان این باشدکه آن ها نشان دادند، توانسته اند به عنوان یک قوهٔ مستقل، بدون فرمایشات و دیکته های حکومت تصمیم بگیرند و روی منافع مردم پافشاری نمایند.

مجلس نمایندگان در حقیقت دست رد به سینهٔ کابینهٔ زد که برخی از اعضای آن به عنوان غنیمت کارزار انتخاباتی، به چوکی های وزارت چشم دوخته بودند، نمایندگان ملت تشخیص دادند که تقسیم پست های عالی حکومت در میان موتلفین انتخاباتی، بدون در نظر داشت اصل شایستگی، اقدام نا درست و منافی منافع مردم است و باید جلو آن را گرفت.

نمایندگان ملت به آنانی که هوای دست یافتن به چوکی وزارت سرشان را گرم کرده بود و از قربانی کردن منافع مردم و مصالح جامعه و حتی قربانی افتخارات خودشان برای رسیدن به چوکی خود داری نکردند، فهماندندکه شایستگی چنین پستی را از دست داده اند.

نمایندگان ملت کسانی را که در ناکامی های هشت سال گذشته سهم عمده داشتند و حکومت افغانستان را در سطح جهان به دومین حکومت فاسد تبدیل کردند و در سال گذشته اکثر آنان نتوانستند چهل در صد بودجهٔ انکشافی وزارت تحت امرشان را به مصرف برساندند رد کردند.

نمایندگان مردم به حکومتی که اعضای آن در رسواترین تقلب انتخاباتی دنیا مسؤل دانسته می شوند، رای منفی دادند.

نمایندگان ملت بر روش ناپسند معامله گری و وزارت خواهی که از گذشته سیاست اصلی برخی از سیاستمداران و گروه ها را تشکیل می داد و تا هنوز نتوانسته برای مردم و یا گروهی دست آوردی پایداری ببار بیاورد، خط بطلان کشیدند.

اما کار مجلس نمایندگان هنوز هم به پایان نرسیده است و قرار است باز این هفته، با بستهٔ کابینهٔ پیشنهادی رئیس جمهور روبرو شوند. از همین حالا فکر می شود، بسته دوم هم تفاوت چندانی با بستهٔ نخستین ندارد.

نمایندگان باید ملتفت باشند که همان انتظار هنوز هم باقیست و باید این بار نیز پختگی، پایداری و درایت خویش را ثابت سازند و به افراد غیر شایسته و غنیمت گیر رای مثبت ندهند.

کنفرانس لندن

ابلاغ تصامیم از قبل گرفته شده



ابوبکر سبزوار

قرار است کنفرانسی در لندن در مورد افغانستان در اواخر ماه جنوری با شرکت کشور های کمک دهنده به افغانستان برگزار گردد. حکومت افغانستان از مدتی قبل برای حضور در این کنفرانس آمادگی می گیرد.

سوال اینست که اجندای این کنفرانس چیست و چه تفاوتی با کنفرانس های گذشته دارد. از کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ تا اکنون، کنفرانس های زیادی در مورد افغانستان دایر گردیده اما پی آمد های مثبت و ملموسی برای افغانستان نداشته است. هرچند قرار است این کنفرانس در اواخر ماه جاری عیسوی دایر گردد اما در نشست محرمانه که از تاریخ ۴ الی ۶ ماه دسامبر سال قبل در واشنگتن

با اشتراک وزرای خارجهء سابق ۲۲ کشور دایر شده بود، موضوع اجلاس لندن مورد بحث قرار گرفت و تصامیم لازم اتخاذ شد. به نظر می رسد که اجلاس لندن فقط به منظور نهادن مهر تائید به فیصله های آن کنفرانس باشد.

بعضی منابع خبررسانی خبر داده اند که در اجلاس واشنگتن در مورد چگونگی تقویت تلاش های جامعهء بین المللی در افغانستان و پاکستان برای برقراری صلح پایدار که منجر به تامین امنیت منطقه و جهان شود، بحث صورت گرفت. در این گردهمائی در مورد تعهد کشور های عضو ناتو به اعزام نیروی بیشتر به افغانستان نیز تبادل نظر شد.

در این گردهمائی همگام با تلاشهای نظامی، در مورد تاثیر بیشتر تلاشهای ملکی نیز بحث صورت گرفت و پیشنهاد شد تا جامعهء جهانی در کنفرانس لندن با افزایش و ارتقای فعالیت ها در بخشهای ملکی نیز موافقه نماید.

در این جلسه تصمیم گرفته شد تا به منظور انکشاف در سطوح ملکی و نظارت بر روند همکاری ها، درکنار قوماندانی ایساف یک همتای قوی ملکی که بر تمامی فعالیت های ملکی نظارت نماید، ایجاد گردد و نیز یک گروه بین المللی به رهبری بانک جهانی برای گسترش و انکشاف همکاری اقتصادی، گسترش تجارت وتشویق به تعهدات بزرگتر در عرصهء تعلیم و تربیه در هردو کشور افغانستان وپاکستان ایجاد گردد.

در این نشست در مورد جلب همکاری اقتصادی و سیاسی همسایگان افغانستان وپاکستان وسایر کشور های دخیل نیز بحث صورت گرفت.

از مسایل دیگری که در این نشست روی آن توافق شد، مسئلهء حقوق زن و تلاش در جهت حاکمیت قانون در کشور های افغانستان وپاکستان بود.

وقتی به فیصله های این گردهمائی نگاه می کنیم، مسایل خوبی را می یابیم که می تواند جالب توجه باشد اما در این رابطه سوال های زیادی شایان مطرح شدن است.

نخست اینکه چرا باید وزرای خارجهء سابق ۲۲ کشور به شمول وزیر خارجهء سابق اسرائیل (شلومو بن ایمی) در این کنفرانس شرکت کردند؟ شاید دلیل این باشد که می خواستند وانمود

اما چرا باید نمایندهء اسرائیل در مورد افغانستان و پاکستان نظر بدهد؟ طوریکه می دانیم، نه افغانستان و نه پاکستان هیچکدام با اسرائیل رابطهء دیپلوماتیک ندارند. اما سوال اینجاست که نقش اسرائیل در جنگ علیه تروریسم چگونه است؟

سازند که این گردهمائی یک جلسهء کارشناسانه بوده است که در آن افرادی که دیگر در مقام وزارت خارجه قرار ندارند اما از تجارب لازم برخوردار اند سهم داشتند.

اما چرا باید نمایندهء اسرائیل در مورد افغانستان و پاکستان نظر بدهد؟ طوریکه می دانیم، نه افغانستان و نه پاکستان هیچکدام با اسرائیل رابطهء دیپلوماتیک ندارند. اما سوال اینجاست که نقش اسرائیل در جنگ علیه تروریسم چگونه است؟

در کتابهائی که بعضی از مسئولین سازمان سیای امریکا در مورد جریانات قبل و بعد از واقعهء ۱۱ سپتامبر نوشته اند، بصورت جسته و گریخته دست اسرائیل را می توان مشاهده کرد. بعنوان مثال زمانیکه امریکا از راههای دیگر برای یافتن اسامه بن لادن مایوس شد، از یک اسرائیلی که قبلا یک طیارهء بدون پیلوت (درون) ساخته بود تقاضا نمود تا این طیاره را کاملتر سازد. بعدها این طیاره در فضای افغانستان به پرواز درآمد و در یک مورد در فارم ترنک در قندهار، یک مرد عرب را شناسائی کرد که به گمان اغلب اسامه بن لادن بود.

طوریکه میدانیم، اسرائیل در قسمت استفاده از طیارات بدون سرنشین تجربهء کافی دارد و در هدف قرار دادن رهبران فلسطینی بار ها از این وسیله استفاده کرده است. از چند سال به اینطرف این طیارات در مناطق قبایلی آنسوی دیورند به اهدافی حمله برده اند و تعدادی از رهبران طالبان پاکستانی و اعضای القاعده را کشته اند.

شرکت نمایندهء اسرائیل در این اجلاس محرمانه نمایانگر آنست که این کشور در وقایع افغانستان و پاکستان حضوری بدون رویت اما موثر دارد و این حضور بحدی است که نمی توان آنرا نادیده گرفت. طبعا اسرائیل نمی تواند در کنفرانس لندن حضور بهم رساند، پس باید در فیصله های قبلی مشارکت داشته باشد.

اما تا آنجا که مسئله به کشور های همسایهء افغانستان برمی گردد، هیچکدام از کشور های همسایه و یاحتی کشور های اسلامی در این کنفرانس شرکت نداشتند. این کار تازگی ندارد بلکه در تمام کنفرانس های بین المللی برای افغانستان، یا این کشورها اصلا حضور ندارند و یا نقش حاشیوی دارند. به همین دلیل است که نقش کشور های همسایه و یا اسلامی در امر بازسازی در افغانستان ضعیف وبی رمق است.

رئیس جمهور کرزی قصد دارد در این کنفرانس مسئلهء کشتار غیرنظامیان افغان بدست نیروهای خارجی، دستگیری مردم، بازرسی های خودسرانهء خانه های مردم را بعنوان مشکلاتی که موجب تقویت موضع مخالفین مسلح دولت گردیده و به گسترش دامنهء ناامنی ها انجامیده است، مطرح ساخته و خواستار توقف آن گردد. وی می خواهد به خارجی ها بگوید که باید حاکمیت ملی افغانستان به افغانها سپرده شود. کاری که سالهاست روی آن تاکید صورت گرفته ولی بجائی نرسیده است.

ردِ هفتاد درصد کابینۀپیشنهادی و دسته بندی های نمایندگان مردم در مجلس



* احمد مهدی

شنبه گذشته مجلس نمایندگان روی بستۀ پیشنهادی کابینه آقای کرزی رای گیری نموده و بصورت پیش بین ناشدۀ ۱۷ وزیر از جملۀ ۲۴ وزیر پیشنهادی را رد کرد. این اقدام مجلس نمایندگان سوال های زیادی را بر انگیخته است.

برای درک عوامل و زمینه های کار کرد پارلمان در رای گیری روز شنبه ۱۲ جدی، باید دسته بندی ها و موضع گیری های اعضای پارلمان را مورد مطالعه قرار داد.

هر چند که پارلمان شامل طیف های متعدد و نا متجانس ملی شود و ترکیب رنگا رنگی دارد، اماپس از انتخابات ریاست جمهوری امسال، سه دسته عمده در درون پارلمان شکل یافته است که شاید بتوان آن را نشانۀ بلوغ و پختگی مجلس نمایندگان دانست. این سه دسته را می شود به این صورت بیان کرد:

۱- هواداران حکومت: این دسته که شمارشان حدود ۱۰۰ نماینده است، بیشترینه نمایندگان پشتون را در خود جای داده است. در میان این گروه، فعالان تیم انتخاباتی آقای کرزی قرار دارند و از گذشته ها با حکومت مخصوصاً آقای کرزی، روابط نزدیک داشتند.

۲- اپوزیسون: این نمایندگان که شمارشان حدود ۸۰ تن است، از ولایات مختلف نمایندگی می کنند و وابستگی های قومی متنوع دارند. این گروه در گذشته از جمله منتقدین فعال حکومت بوده، افراد تحصیل یافته و با تجربه مجلس نمایندگان، بیشتر در آن گروه دیده می شود. برخی از اعضای برجسته اپوزیسیون در جریان انتخابات ریاست جمهوری، فعالانه از نامزدان مخالف حکومت مخصوصاً داکتر عبدالله حمایت کردند. نمایندگان جبهه ملی شامل این گروه می باشند.

۳- بی طرف ها: این دسته که شمارشان حدود ۶۰ تن می باشد مربوط ولایات مختلف افغانستان می باشند. بی طرف ها کارکرد خاصی در گذشته در پارلمان نداشتند و در فعالیت های پارلمان نقش ضعیفی دارند.

با این دسته بندی نمایندگان اکنون به این مسئله می پردازیم که چگونه شمار فراوانی وزرای پیشنهادی رد شدند و عدۀ دیگررای آورند.

موضع اپوزیسیون در گذشته روشن بود، آن ها فکر می کنند که آقای کرزی در انتخابات دست به تقلب گستردۀ زد و با استفاده از آن قدرت خویش را تمدید نمود و حکومت وی فاقد مشروعیت می باشد. بر همین اساس اپوزیسیون تقریبا به تمام وزرای پیشنهادی آقای کرزی رای منفی دادند.

بنابر این حدود ۸۰ رای منفی اپوزیسیون تقریباً در میان تمام آرای وزرای پیشنهادی وجود دارد و شاید شماری اندکی از اعضای اپوزیسیون به چند وزیر محدود رای مثبت داده باشند.

چون اپوزیسیون نمایندگان دارای موضع گیری های شناخته شده می باشند، این احتمال که آن ها بر اساس رشوت و یا وعده و عید های حکومت و یا وزرا تصمیم گرفته باشند، تا اندازۀ زیاد بعید به نظر می رسد.

دسته هواداران حکومت نتوانستند در دفاع از کابینۀ پیشنهادی آقای کرزی موضع واحدی اتخاذ کنند، برخی ها علت این پراگندگی نمایندگان هوادار حکومت را، سیاست های مشکوک آقای کرزی می دانند که به هر صورت از وزرای پیشنهادی برخی از موتلفین خویش راضی نبوده و می خواسته توسط نمایندگان دست رد بر سینۀ آن ها بزند، چنانچه این موضوع را موتلفین درک کردند و واکنش نشان دادند، اعتراضات آقای دوستم و آقای محقق از جمله همین واکنش هاست، اما برخی دیگر به این نظر اند که در این کار آقای کرزی تقصیری نداشته بلکه نمایندگان هوا دار حکومت، بر اساس تصمیم خود شان به برخی از وزرا رای منفی و به برخی دیگر رای مثبت دادند.

صاحب نظران چند عامل را در موضع گیری این نمایندگان مؤثرمی دانند؛ یکی عامل قومی و زبانی است که بر اساس همین عامل، وزرای مربوط به آقای دوستم و محقق و آقای خلیلی و یا مارشال فهیم رد شدند، مخصوصاً وزرای پیشنهادی دوستم و محقق و خلیلی که آرای بسیار اندکی بدست آوردند. این نمایندگان بر اساس همین گرایش به وزرای دفاع، داخله، معارف ومالیه و زراعت بصورت یکپارچه رای مثبت دادند.

فکر می شود رای گیری های بعدی پارلمان با تغیراتی در موضع گیری برخی از دسته های پارلمان همزمان خواهد شد. شاید اپوزیسیون یگانه دسته ای باشند که همچنان بر موضع قبلی خویش پا فشاری نمایند و به اکثریت وزرای پیشنهادی آقای کرزی رای منفی بدهند

عامل دیگرهم کمپاین توسط وزرا بوده است، برخی وزرا توانستند با بر گزاری مهمانی های شاهانه و توزیع پول های هنگفت و وعده ها، حمایت این گروه را جلب کنند.

به این صورت دسته نمایندگان هوا دار حکومت در رد و یا تأیید وزرا نقش اصلی را در پارلمان بازی کردند.

گروه سوم در پارلمان، یعنی بیطرف ها به هیچ صورت موضع واحدی ندارند و در حقیقت نمی توان آنهارا گروه واحدی دانست، صرفا به علت آن که این تعداد شامل دسته حامی دولت و یا اپوزیسیون نیستند می توان نام دسته را بر آن ها اطلاق کرد. موضع گیری بیطرف ها بر اساس تمایلات شخصی و وابستگی های سمتی و زبانی شکل می گیرد و آن ها بر همین اساس رای خود را به صندوق ها می ریزند، البته برخی آن ها هیچ رای نداشتند و آرای سفید و باطل بیشتر مربوط به این گروه بوده است.

عامل اصلی دیگر در موضع گیری این دسته در رابطه با کابینه پیشنهادی کمپاین وزرا بوده است، برخی این نمایندگان که از طرف وزرا در مهمانی ها دعوت شدند و توانستند پول و وعده های دریافت کنند، به آنها رای مثبت دادند، اما وزرای که نتوانستند با بی طرف ها تماس بر قرار نمایند، از رأی آن ها محروم شدند.

وزرای موفق، آرای بیشتر از ۱۰۰ آن ها، منعلق به گروه بی طرف ها می باشد.

فکر می شود رای گیری های بعدی پارلمان با تغیراتی در موضع گیری برخی از دسته های پارلمان همزمان خواهد شد. شاید اپوزیسیون یگانه دسته ای باشند که همچنان بر موضع قبلی خویش پا فشاری نمایند و به اکثریت وزرای پیشنهادی آقای کرزی رای منفی بدهند، دسته های که فکر می شود موضع گیری آن ها دچار تغییر شود، دسته طرفدار حکومت است، در صورتی که آقای کرزی بخواهد می تواند اکثریت قاطع این دسته را به نفع وزرای مورد نظر خویش بسیج نماید و آن ها را وادار کند که به آن وزیران رای مثبت بدهند.

موضعگیری دستۀ بیطرف هم در معرض دگر گونی قرار دارد، اگر چنانچه حکومت و یا وزرا بخواهند با آن ها تماس بر قرار کنند و از تحفه و وعده استفاده کنند، مسلماً می توانند آرای مثبت آن ها را بدست آورند.

بنابر این فکر می شود، در موضع مجلس نمایندگان به عنوان کل تغییرات مهمی به میان خواهد آمد و این تغییر در نتیجۀ تغییر موضع حکومت و دسته هواداران و همچنان دسته بیطرف ها رونما خواهد شد .

البته این سناریورا هم نمی توان رد کرد که شاید برخی از اعضای هوشمند دسته هوادار حکومت و یا بیطرف ها ترجیح بدهند که بهتر است در دور دوم هم به بسیاری از وزرا رای منفی بدهند، چون اگر این بار کابینه رای بیاورد، دیگر این فرصت که حکومت و وزرا به آن نمایندگان مراجعه نمایند و هدیه تقدیم کنند، از دست شان خواهد رفت. شاید شماری از آنها فکر کنند بهتر است این بارهم به برخی از وزرا رای منفی بدهند، تا این جریان تحفه گرفتن ها همچنان تا مدتی ادامه پیدا کند.

توقیعات خراسانی و تاثیر آن بر ادب عربی

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

یکی از مظاهربسیار مهم که بیشترین تاثیر را در زبان عربی به جا گذاشته است، جنس ادبی توقیعات می باشد. به قول جاحظ خراسانیان قبل از اسلام دارای سخنان طرفه و جیزه و منجمله توقیعات بوده است. توقیعات در نزد خراسانیان جایگاه رفیع و بلند داشته است. وقتی مطلبی یا شکایتی به ملکوک و امراء تقدیم می نمودند. عرض حال آن ها به شکل کتبی تسجیل می یافت که اکنون آن را بنام "دیوان عرایض" و یا "درخواستی" می شناسیم. ملکوک وامراء در پایان عرایض به عبارت بلیغ و سخنان حکیمانه می نوشتند و در پایان کاغذ و درخواستی شخص مهر و امضا می نمودند، که این توقیعات ارزش بسی تاریخی دارد. وقتی شخصی نزد کسری بن قباد ورقه درخواستی تقدیم داشت و درآن نوشت که در اداره و نیت قبیله بظانته تغییربه وجود آمده است و ضمیر فلان و فلان شخص فاسد شده است. کسری در پایان ورق موصوف چنین نوشت:"من به ظاهر اشیاء تسلط دارم نه بر اراده و نیات اشخاص و افراد من به اعمال حکم می کنم نه به هوی و هوس وتمایلات شخصی ایشان، من کردار اشخاص را بررسی می کنم نه اسرار و رموز آن ها را". از زمان خلافت خلفای راشدین بدین سو توقیعات خراسانیان به سرزمین های عربی راه یافته است، اما سیل توقیعات را حکومت عباسی ها تشکیل می دهد؛ زیرا اکثریت مؤلفان، شاعران و نویسندگان و وزیران دولت عباسی از نژاد غیرعربی"خراسانی" بودند.

این شاعران ونویسندگان سنن و مواریث آبایی شان را در مناطق تحت استیلاء عباسی پخش و انتشار می دادند، حتا دیوان های بزرگ از توقیعات گذشته گان را به وجود آوردند که منبع تقلید امرای عباسی گردید.

وقتی ادبیات پارس را بعد از فتح قادسیه (۶۳۷- ۱۷ هـ) که مصادف با مرگ آخرین امرای ساسانی یزدگرد (۶۵۶ م) را مورد مطالعه قرار دهیم، اغلب عبارات که درکتب عربی از قول شاهنشاهان ساسانی و رجال آن نقل شده است به زبان فارسی دری است و از آن جمله عبارتی است که جاحظ در کتاب المحاسن و الاضداد این طورذکرکرده است:" و وقع عبدالله بن طاهر من سعی رعی و من لزم المنام رای الاحلام" مولف در ادامه میگوید:"هذالمعنی سرقه من توقیعات انوشیران" یعنی این مفهوم از توقیعات انوشیروان به سرقت برده شده است، که گفته است:"هرکه رود چرد و هرکه خسپد خواب بیند" توقیعات در صدراسلام در ادبیات عرب پدید آمد و درعصر اموی شگوفا شد. مثلاً مردی به زباد بن ابی از نافرمانی پسرش شکایت کرد: زیاد در پایان نامه وی نوشت:"ربما ما کان عقوق الولد من سوء تأدیب الوالد" چه بسا نا فرمانی پسر از سوی تادیب پدر باشد و از توقیعات معاویه یکی این است:"نحن الزمان من رفعنا ارتفع و وضعنا اتضع" ما روزگار هستیم هرکه را بر کشیم بر افرازد و هرکه را پست سازیم پست گردد.

ترجمه افسانه های خراسانی در زبان عربی:

بیشترینه کتابی که از زبان پهلوی به عربی ترجمه گردیده و درادبیات عرب تاثیر خود را گذاشته، افسانه است. ترجمه افسانه های خراسانی مانند سایر کتب پس از انتشار اسلام به ادبیات عربی به وسیله نقل ترجمه حضور یافته است. از شواهد تاریخی چنین معلوم می شود که انتشار افسانه ها و داستان های خراسانی در خراسان قبل از اسلام وجود داشته است ودر دوره اسلامی افسانه ها وداستان های خراسانی زودتر از کتب دیگر به عربی ترجمه شده است؛ زیرا قصه و افسانه ها، ساده تراز رشته های دیگر ادبی متناسبتر با حالت عقلی عرب می باشد. ابن ندیم می نویسند:" نخستین کسانی که به تصنیف افسانه ها پرداخته اند و بعضی از آن ها را هم از زبان جانوران حکایت می نمودند، پارسیان بودند. این افسانه ها در روزگار شاهان ساسانی وجود داشته است و اعراب آن ها را از طریق ترجمه بدست آوردند. فصحاء و بلغای عرب به تهذیب و آرایش این افسانه ها پرداخته اند و به مانند آن ها داستان های جدید ایجاد کردند. همین گونه ابن ندیم کارمولفین عرب را در خصوص قصه وافسانه ها را آرایش افسانه های خراسانی دانسته است واین داوری به حقیقت نزدیک می باشد. زیرا عرب درقصه های خود از حدود افسانه های خراسانی خارج نگردیدند و همین ترجمه داستان ها و افسانه های خراسانی به زودی در محیط اسلامی منتشر گردید.

اعراب که به شنیدن قصه به ویژه قصه های حماسی علاقه فراوان نشان می دادند و زمینه را برای انتشار آن آماده نمودند وفصل جدیدی از ادبیات عرب را این قصه ها به وجود آورد، که امروز باید آن را فن افسانه پردازی نامید. ترجمه کتاب کلیله و دمنه بیشتر از همه مورد ترجمه دانشمندان عربی قرار گرفت ونویسندگان اسلامی و عربی به تقلید از آن پرداختند. ترجمه کلیله ودمنه به قلم شیوای ابن مقفع و به گفته سعودی در روزگار منصور صورت گرفت. یکی از قطعات برجسته نثرعربی گردید. استقبال مردم از کتاب کلیله ودمنه و سایر افسانه های خراسانی به حدی بود که چندین بار این افسانه ها در زبان عربی به نظم در آورده شدند. اگر داستان های پهلوانی و به سخن دیگر ادبیات حماسی عرب را به دقت مطالعه نماییم، خواهیم دریافت که همان طوری که آثار تاریخی خراسانیان در تاریخ اسلامی تاثیر نموده، به همان اندازه داستان های حماسی خراسانی نیز آثار بارزی از خود در این رشته از ادبیات برجای گذاشته است، حتا چندین قرن پس سقوط دولت خراسانیان قصه ها و داستان هایی پیرامون پهلوانان قدیم خراسان تالیف می شد. مانند: قهرمان نامه، داراب نامه وکتاب دیگری که ابوطاهرتوسی به آن پرداخته است، این داستان ها را هرچند نمی توان به طور کامل از آثار باستانی شمرد، اما بدون شک این آثار از داستان های کهن محسوب می شوند.

فراز "برج خاکستر"

فراز برج خاکستر،
پرستوهای سرگردان،
سرود ایلغار شوم می خوانند،
فراز برج خاکستر،
کبوترهای بال افشان،
هوا را در خط آوارگی فریاد می گیرند.
سراغ لانهٔ خونین خود از باد می گیرند.
فراز برج خاکستر،
گل پرپر به ساز سایه های مرگ می رقصد.
فراز برج خاکستر،
گلوی ابر سربی رنگ می گرید.
فراز برج خاکستر،
تگرگ سرخ می بارد.
فراز برج خاکستر،
صدای کودکی-
با های های گریه می خواند؛
سرود ناتمام لای لای مادرش را.
فراز برج خاکستر،
بلند لاژورد آسمان را ترعه می بندد،
ستون دود سربی رنگ.
فراز برج خاکستر،
افق را می کشد درکام-
موج رود سربی رنگ.
فراز برج خاکستر،
دوتا رنگین کمان فتح روشن-
بر خط خاور
دوتا شمشیر نور افگن؛
به رنگ نعرهٔ "الله اکبر"!

بحثی پیرامون مثنوی مولانا جلال الدین محمدبلخی

دکتور شمس الحق آریانفر قسمت دوم

داستان طوطی و بقال و کل را می آورد و چنین نتیجه می گیرد :

جمله عالم زین سبب گمرا ه شد
کم کسی زابدال حق آگاه شد
همسری با انبیا برداشتند
اولیا را همچو خود پنداشتند
گفته اینک ما بشر ایشان بشر
ماو ایشان بسته خوابیم وخور
این ندانستند این از عمی
هست فرقی درمیان بی منتهی
هردوگون آهو گیاه خوردند وآب
زین یکی سرگین شد وزان مشک ناب
هر دو، نی خوردند ازیک آبخور
این یکی خالی و آن دیگر شکر
صد هزاران این چنین اشیا بین
فرقشان هفتاد ساله راه بین

آیات قرآن و احادیث درمثنوی

عامل اساسی که مثنوی رادر نگاه دانشمندان ، به عنوان قرآن درزبان پهلوی ویافارسی –دری جاداده ،همانا استفاده فراوان ،ازآیات قرآن کریم واحادیث نبوی درمثنوی است.

پژوهشگران به این باورانـد که درمثنوی ۲۵۰۰ آیت کلام الله واضافه از ۵۰۰ حدیث ،مستقیماً ذکرگردیده است . تقی جعفری می گوید:

درابیات مثنوی به ۲۲۰۰ آیهٔ قرآن استشهاد وتفسیر واستدلال شده است.

سیدحسین نصرباستناد به پژوهش هادی حایری یادآور می شود:

نزدیک به ۶۰۰۰ شش هزاربیت یعنی نزدیک به یک چهارم مثنوی مشتمل است به ترجمه صریح ویانقل آیات قرآن کریم (۲۴)

درنامه یی می خوانیم:

غلبهٔ فضای قرآنی برذهن وضمیر مولانا تاحدی است که گاه مضمون دویاچند آیه دریک بیت به هم می آمیزد ،گاه پاره یی ازآیه بی هیچ تصرفی ،مصرعی ازیک بیت راتشکیل می دهد.(۲۵)

اگر یک چهارم مثنوی نقل مستقیم ویا ترجمه آیات است ، بقیه ابیات مثنوی نیز شرح وبیان آیات قرانی است که به گونه غیر مستقیم ذکر گردیده است .هر مفهومی را که درمثنوی ذکرگردیده ، وقتی ریشه یابی نمائیم به آیه یی ازکلام خدا گره می خورد .

وقتی دردانشنامه آمده است : ازمثنوی گاه درکنار کتابهای مقدس یاد شده است »(۲۶) خود بیان این است که مثنوی را قرآن فارسی دانسته اند.

مثنوی درساختار چون قرآن

مثنوی مولانا، نه تنها ازلحاظ درون مایه ومحتوا ،بیان آیات وشرح قرآن است که ازلحاظ ساختاری وارایه مطالب نیز.همسانی های فراوانی باقرآن دارد. گویی مولانا دربیان مثنوی ظاهروباطن قرآن رادرنظر داشته است.

ساختارمثنوی ازلحاظ ارایه مطلب ،مطابق اصول نگارشی زمانش نیست، مولانا باآثار ووسایل اخلاقی ،دینی وکلامی روزگارش کاملاً آشنا بود. اواحیا العلوم غزالی رامی خواند وبا دواوین اشعار عطار و سنایی محشور بود. اما نخواست افکار خودرابه گونهٔ تنظیم شده ودرفصل وباب مشخص ارایه کند.

در دانشنامهٔ آمده است:

« شیوه بیان مثنوی ازهرچیز به کتاب های مقدس شبیه است بدون هیچ طرحی ازپیش ساخته وپرداخته وبه مقتضای جوشش طبع سیال وسیل آسای مولانا... آن بی نظمی ظاهری که درکتاب های مقدس به چشم می خورد،این جانیز وجود دارد» .

دانشمندان امریکایی فرانکلین دین لوئیس نیز می نویسد:

(مولانا) افکارفلسفی نظام بند ارایه نکرده است. اگر می خواست می توانست اوبا رسایل کلامی ، اخلاقی ودینی فصل بندی شدم ،چون احیای العلوم غزالی آشنایی داشت.

« مولانا باکمال هوشیاری تصمیم گرفت،نظرات خودرابه شیوهٔ پراگنده، درقالب حکایت وتمیثل وبیشتر به شعر بیان کند... شاید هم ناخود آگاه باتداخل حکایات وتمیثلات وگریز ازموضوعی به موضوع دیگر ،ازشیوه بیان عالمانه وادیبانه قرآن نیز پیروی کرده است. **ادامه دارد**



تهاجم قانونی غرب در کشورهای اسلامی

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل / قسمت چهارم

انحطاط اوضاع سیاسی:

زندگی دولت ها هم چون زندگی افراد به اشکال و نمادهای گوناگون تقسیم گردیده و چون زنجیره یی می باشد که حلقه های آن به هم گره خورده و نمی توان برخی از آن ها را از دیگری جدا کرد و نتیجه آسیب پذیر برخی از این جوانب، در جوانب دیگر به گونه های سلبی یا ایجابی انعکاس می یابد، این حالات و اوضاع دولت ها حیثیت جسدی را دارند که اگر یکی از اعضای آن ها دچار درد و شکایتی شد، سایر اعضا نیز دردمند می شوند که عامل سیاسی در پیشاپیش همه این عوامل قرار دارد، زیرا آثار ایجابی وحدت و یک پارچگی واستقرار دولت در حیات عمومی دولت و جامعه انعکاس یافته همان گونه عکس آن هم چنین است. تاریخ اسلام این حقیقت را در دو مرحله یی که سپری کرده است به نمایش گذاشته که یکی مرحله نیرومندی و شگوفایی آن، دومی هم، مرحله ضعف و ناتوانی و فروپاشی آن می باشد.

آنچه در محراق توجه ما دراین بحث قرار دارد همانا مرحله دومی است؛ زیرا همین مرحله است که انحطاط بزرگی را در تاریخ اسلامی به نمایش میگذارد، مرحله یی که از قرن چهارم هجری آغاز و تاکنون ادامه دارد. نا توانی دولت عباسی، تقسیم بزرگترین دولت اسلامی، ظهورگرایش ها ونظریات مختلف سیاسی، گسترش بدعت ها ونظریات مختلف فلسفی، رشد شعوبیت، (قومیت گرایی) و روحیه جدایی طلبی همه منجر به آن شد که روابط سیاسی در میان اقالیم اسلامی قطع گردد، سرزمین های اسلامی به دولت های کوچک ومتعددی تقسیم گردید که والیان زمام امور آن ها را به دست گرفتند و لقب امیرالمومنین و یا خلیفه بر خود نهادند، چه مستقل از دولت عباسی بودند و چه در ظاهر خود را تابع آن می شمردند.

ویژگی عمده سیاسی این دولت های کوچک را رقابت و دشمنی و جنگ درمیان آن ها تشکیل می دهد که به خاطر توسعه جویی و سلطه برخی بر برخی دیگر بر بنیاد انگیزه های سیاسی و فکری و شعوبیگری رونما گردید ،انگیزه یی که این دولت ها را فاقد قدرت تشکیل صف واحد، دربرابر نیروهای بیگانه خارجی ساخت. نگاهی به تاریخ اسلامی در قرن چهارم هجری قمری وبعد از آن چهره درد آور واندوهباری را دربرابر ما به نمایش می گذارد. دراین دوران است که دولت بزرگ اسلامی به دولت های کوچک وولایات مختلفی تقسیم شده است.

دولت اموی در اندلس، دولت های اخشیدی و ایوبی در مصر، دولت فاطمی در تونس، دولت حمدانی در موصل وحلب، دولت های بویهی و سپس سلجوقی در بغداد، دولت سامانی دربخارا وماورالنهرو دولت غزنوی درافغانستان کنونی و بلاد ماورالنهر، خراسان هند و پیداش هسته های دخیل و بیگانه دراین کشورها وحملات صلیبی در شام و بیت المقدس همه وهمه نمادهای از این تجزیهٔ دولت بزرگ اسلامی به شمار می روند که به تعقیب این تفکیک و پراگندگی، حمله نابودگرانه مغل، توسط هلاکو نواسه چنگیزخان به میان آمد که دارالخلافه عباسی بغداد را در سال ۶۵۶هـ ق تصرف نموده و معتصم بالله خلیفه عباسی را با اولاده وی بعد از این که به آن ها امان داده بود، به قتل رسانید وشهر بغداد را دراختیار لشکر خویش قرارداد که به گسترش فساد در این شهر دست یازیده خون ها را ریزاندند و بر ناموس های اهالی شهر هتک حرمت نموده ودارایی هایی را چور کردند ومراکز علم وعبادت را ویران نموده و کتاب ها را به آتش کشیدند.

قانون خود، معروف به "یاسا" را برمردم تحمیل نموده وبدین ترتیب حضارت و مدنیت اسلامی را نابود کردند. بدون شک این وضع در زندگی اسلامی به گونه عام و در زندگی تشریعی و تقنینی آنان به گونه خاص، تاثیر منفی را در خود به جا گذاشت. فقها به بی مهری اولیای امور وعدم تشویق و تشجیع آنان روبرو شده و درنتیجه همت وعزم آنان رو به ضعف وسستی نهاده و روح استقلال در تشریع و تقنین نا توان وعاجز شد. دراین وقت است که به آثار اسلاف وگذشتگان رو آوردند و آن روح بلند واعتماد به نفس که از ویژگی فقهاء چون ابوحنیفه، شافعی، احمد، داوودظاهری، طبری، و امثال آنان بود، از میان رفت، آن روحیه یی که ابوحنیفه و مالک را واداشت که اولی بگوید: "هم رجال و نحن رجال" (آنان شخصیت هایی بودند و ما هم شخصیت های هستیم" دومی هم چنین وانمود سازد که (لیس من احد الایوخذمن قوله و یترک الارسول الله) یعی کسی پیدا نمی شود مگر این که برخی گفته های وی معقول واقع شود و برخی هم متروک مگر پیامبرصلی الله علیه وسلم.

دومین عامل داخلی برای این تهاجم قانونی:

فقه اسلامی در همرهٔ وصفی است بین ثوابت و اصول جاویدانه شریعت در قران و سنت و زندگی به گونهٔ عام آن به حیث واحد های پایان ناپذیر که هر روزی در جامعه چهره نوی به خود می گیرد. رسیدن به احکام شرعی، از راه اجتهاد ممکن است این مطلب بیانگر آن است که اجتهاد به حیث یک اصل در محراق توجه قرار داشته و تقلید در برابر آن قرار می گیرد، زیرا تقلید در ماهیت خوبش مهمل گذاشتن عقلی است که خداوند به واسطه آن انسان را بر سائر مخلوقات امتیاز بخشیده و به او دستور تدبر و تأمل داده است. این مسئله علت مکلفیت و مسؤولیت انسان که تعبیری است از آزادی فکری و اعتماد به نفس:

ابن جوزی حقیقت فوق را اینگونه به تصویر کشیده و گفته است: " دانسته باشی که تقلید بر آن چه می گوید اعتماد ندارد" در تقلید بر منفعت عقل خط بطلان کشیدن است، زیرا فلسفه آفرینش وخلقت عقل تأمل و تدبر بوده و چه زشت است که برای کس شمعی داده شود که در روشنائی آن حرکت کند، ولی او شمع را خاموش کرده و در ظلمت و سیاهی حرکت می کند، دانسته باش که همه یاران (ائمه مذاهب) به تفحص از دلائل امام خود اهمیت بزرگی داده و به تغقب آن از گفته ائمه خویش پیروی می کردند وشائسته و سزاوار (انسان) آن است نظر به گفته قایل نماید نه به خود آن "

خوب! وقتی که سخن از این قرار باشد، پس تقلید چیست؟ و اسباب و نتایج و پیامد های آن کدام ها اند؟

پیش از این با طرح پرسش پاسخ گفته شد، این مطلب را باید گوشزد کرد که منظور از تقلید درین جا مفهوم عام آن است، چه مربوط به تقلید گذشتگان باشد و چه مربوط به تقلید دیگران و اغیار؛ زیرا تقلید در هر دو شکل آن بحیث سبب مستقیم در آوردن قوانین بیگانه به کشور های اسلامی بوده، نوع دوم آن را می توان به حیث نتیجهٔ تقلید اولی به خوانش گرفت، تقلید در کتاب های سنت به معنی چیزی را در گلو بسته کردن آمده است، ازین گفته عرب ها گرفته شده است که می گویند: ‹ قلدتها قلاده جعلتها فی عنقها› یعنی گردنبندی را در گلوی وی بسته کردم.

تقلید در دین هم از همین معنی گرفته شده و معنی این جمله در عربی: ‹ قلده الامر› این است که او را به کاری مکلف ساخت.

و اما تقلید در اصطلاح علماء اصول فقه در برابر اجتهاد قرار دارد، یعنی اگر معنی اجتهاد همان بذل جهد وصرف نیرو در استخراج حکم شرعی از دلیل آن باشد، پس معنی تقلید همانا التزام به قول دیگری بدون این که نسبت بدلیل آن از نصوصی شرعی مناقشه نا پذیر، معرفت و شناختی داشته باشد، بدون چنین امر چرخشی بزرگی خواهد در مسیر فقه اسلامی و پائین آوردن آن از جایگاهی بلند است که در عصر ائمه و پیشوایان اجتهاد و گذشتگان از آن برخوردار بودند.

بودن شک چنین چرخش بزرگ در حرکت فقه پدیدهٔ تصادفی نبوده، بل زادهٔ عوامل اثر گذار در جامعهٔ اسلامی که او را از قدرت ادامهٔ این حرکت باز داشته و متمائل به تقلیدش کرده است.

خوب! اگر همین باشد که گفته شد پس باید در این اسباب و پیامدهای آن باشد که اینک به تشریح آن ها قمست عنوان های "اسباب تقلید" و " نتائج آن خواهم پر داخت" محیقان و پژوهشگران فقه اسلامی، به این باورند که پدیدهٔ تقلید به یک عدهٔ اسبابی راجع می شود که مهمترین آن ها عبارتند از:

اول– ضعف قدرت سیاسی خلفای عباسی:

از همپاشیدگی و مصروفیت جنگ در برابر شورش ها و اختلافات و کشکش ها، دولت را از توجه به سروسامان دادن به نا بسامانی های داخلی محروم ساخته و این امر خود بخود منجر به آن شد که پراگندگی اجتماعی، عقب ماندگی فکری رو نما گردد که آثار منفی آن را می توان در همه بخش های زندگی اسلامی مشاهده نمود. برخلاف دوران پیشین که به تشویق علماء در تشجیع علم و پژوهش پرداخته می شد. دانشمندان و علماء را در جایگاه در خور شان قرار می دادند و در سیاست دولت و ارادهٔ آن از آرای دانشمندان الهام گرفته و به حیث رهچراغ مسیر دولتمردان خود از آن استفاده می کردند.

دوم– تدوین مذاهب:

در این دوره مذاهب فقهی تدوین گردیده و ابواب و مسائل آن در اثر تلاش ها و آمادگی های شاگردان اخلاص پیشه و مورد اعتماد تنظیم گردید که سزاوار بود به حیث یک عامل مثبت در پیشرفت حرکت اجتهادی نقش آفرینی می کرد، ولی بر خلاف، نتیجهٔ این عمل در تضاد با حرکت فقهی اولی بود، راه حل ها برای مسائل پیش شده در برابر آن عزم و همت اجتهادی آنان را ضعیف کرد.

ادامه دارد

رأی اعتماد و عدم اعتماد ....

موجود، رأی عدم اعتماد خواهند داد، ولی ولسی جرگه به اکثر آنان رأی نداد و سوال های زیادی را مطرح ساخت و چراهای زیادی را فراروی تحلیلگران و کارشناسان مسایل سیاسی قرار داد!

رأی اعتماد و یا عدم اعتماد از صلاحیت های اعضای ولسی جرگه است ولی آنچه که بسیار مهم و قابل شگفتی است، این سوال اساسی است که چرا و روی چه دلیل و یا دلایلی به برخی از وزرا رأی اعتماد داده شد و به تعداد کثیری از آنان رأی عدم اعتماد؟!

در پاسخ به سوال فوق، گمانه زنی های وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- خارجی ها و شخص کرزی افراد مشخصی را درنظر داشتند تا از کابینهٔ گذشته در کابینهٔ جدید همچنان باقی بمانند و چنین شد. یعنی تقریباً همه افراد مورد نظر خارجی ها رأی اعتماد گرفتند و دوباره وزیر شدند!

۲- آقای کرزی در جریان انتخابات ریاست جمهوری، موتلفینی داشت و به آن ها وعده ها سپرده بود که چند وزارت، سفارت و ولایت را به آنان خواهد داد و تا حدودی به وعدهٔ خود وفا کرد و افراد معرفی شدهٔ ائتلاف را به حیث نامزد وزیر معرفی داشت ولی این ها رأی نیاوردند و سخت خشمگین نیز شدند!

جنرال دوستم، محقق، خلیلی و استاد سیاف از این جمله اند. پس این احتمال وجود دارد که رأی اعتماد و رأی عدم اعتماد هردو در موافقت با نظر آقای کرزی صورت گرفته و نه مخالفت با آن! هرگاه اکثر نمایندگان مخالف نظر خارجی ها و یا آقای کرزی می بودند، پس چرا وزرای پیشنهادی دفاع، داخله، معارف، مالیه و معادن که مورد نظر آنان بودند، هم رأی اعتماد گرفتند و نامزد وزیران معرفی شده توسط موتلفین، از رأی اعتماد محروم ساخته شدند؟!

شاید آقای کرزی در مرحلهٔ اول به رفقای ائتلافی خود گفته باشد که وزرای معرفی شدهٔ شما را پیشنهاد کردم ولی شورا رأی نداد و من تقصیری ندارم!

یعنی از یک طرف به آنان قناعت داده و به خشنودی شان پرداخته و از سوی دیگر با رد شدن این نامزد وزیران از شر کابینهٔ ائتلافی خود را نجات داده باشد!

۳- گفته می شود که برای نمایندگان و یا برخی از آنان مبالغ هنگفتی به طور انعام داده شده تا به وزرای مورد نظر خارجی ها رأی بدهند که دادند و هرگاه واقعیت داشته باشد، پس باید فاتحهٔ شورا، انتخابات و دموکراسی را خواند و این بدترین و کثیف ترین معامله ای خواهد بود که در تاریخ سیاسی کشور صورت گرفته است!

۴- معروف است که اکثریت اعضای ولسی جرگه را مجاهدین تشکیل می دهند، اما این نمایندگان مجاهد به وزرای که سابقهٔ جهادی داشتند و یکی از آن ها از فرماندهان معروف جهاد بود، رأی ندادند، برعکس به فردی رأی دهد که سابقهٔ دشمنی و جنگ مسلحانه با مجاهدین را دارد و پای خود را در یکی از جنگ های ضد مردم و ضد مجاهدین و در صف رژیم دست نشانده و مزدور روسی، از دست داده است!! این موضوع سوالات زیادی را به میان آورده است.

سازمان ملل خواستار تغییرات...

در افغانستان با مشکل جدی روبرو خواهد شد. ضرورت تغییرات اساسی در کمیسیون انتخابات در حالی از سوی سازمان ملل مطرح می شود که قبلاً منابع دیگر بین المللی آن را تأیید نموده اند، چندی پیش گروه ناظران اتحادیه اروپا اعلان کرد، بدون تغییرات در قانون انتخابات و کمیسیون انتخابات افغانستان، دولت آن کشور صلاحیت بر گزاری هیچ انتخاباتی را ندارد.

پارلمان امریکا نیز با اتخاذ موضع مشابهی خواهان تغییرات اساسی در کمیسیون انتخابات افغانستان گردیده است. یکی از انتقاد های جدی که در مورد کمیسیون انتخابات افغانستان وجود دارد اینست که، این کمیسیون یک نهاد انتخابی نبوده تمام اعضای رهبری آن توسط آقای کرزی تعیین شده و از هیچ مرجع مستقلی در این زمینه مشوره گرفته نشده است، طبیعی است در کشوری مانند افغانستان که، سنت های دموکراتیک وجود ندارد، این افراد کاملاً خود را وابسته به آقای کرزی احساس می کنند و به هر صورت در صدد حمایت او می باشند. این موضوع نیز با صراحت در پیشنهاد ناظران اتحادیه اروپا که چندی قبل انتشار یافت باز تاب یافته است.

از دید ناظران اتحادیه اروپا، در نتیجهٔ تقلب های گسترده انتخابات امسال مشروعیت دولت افغانستان مورد سوال قرار گرفته و بی اعتمادی شدیدی میان گروه های مختلف جامعه افغانستان به میان آمده است. کسب مشروعیت و بازسازی اعتماد از دست رفته وظیفه اصلی حکومت می باشد.

برگزاری انتخابات پارلمان توسط کمیسیون موجود و برا اساسی قوانین کنونی، می تواند بحران های جدیدی را ایجاد کند و وضعیت را بی ثبات تر سازد.

د باور رايو جريان

د ولسي جرگې خپله اراده

که د سياسي مانور لومړی پړاو

رفيق بحر



د تيرې شنبې په ورځ د ولسي جرگې لخوا په نومول شوو څليرويشتو وزيرانو کې داسې يو تاريخي چاڼ مخې ته راغی چې د ډيرو شنونکو اټکلونه يې غلط ثابت کړل. څکه که له يوې خوا د هيوادونو په سياسي تاريخ کې داسې کله ندي شوي يا ډير کم واقع شوي چې د يو رئيس جمهور لخوا رد شي، نو له بلې خوا په نومول شوې کابينه کې داسې ستهې راپريوتل يوه بله عجوبه ده چې فکر نه کيده چې د هيواد ولسي جرگه به يې د خولې خوندور خراب کړي، د مثال په تو گه ولسمشر کرزي ته له سيالی څخه تيريدونکي احدي (چې د نوو بانکنوټونو د رامينځ ته کولوپه ادعاء يې هم شخوند وهلو) او يا امير صاحب اسماعيل خان چې د خپلو پخوانيو انډيوالانو (جمعيت اسلامي) او يا جهادي قربانيو له کارت لرلو پرته د ولسمشر کرزي د ملاتړ کارت يې هم څلولو راپريوتل يوي خواته. او بلې خوا د کرزي صيب د پلويانو هريو: استاد سياف، پير گيلاني، محقق، دوستم او قانوني لخوا د وړاندې شوو نوماند وزيرانو لخوا او د باور رايه نه اخستل او د سياسي شنونکو په وړاندې څينې سوالونه راوړاندي کړيدي، چې آيا دغه چاڼ جريان د ولسي جرگې خپله اراده وه او د هغه سياسي مانور لومړي پړاؤ وو چې کرزي صيب ته د کورنيو او بيرونيو فشارونو لامله يواځينی ليار پاتې وه.

او بيا له بلې خوا د وړاندې شوو وزيرانو له مينځه يواځې په اوو تنو کامیابو نوماندانو يې د څينو هغو نوماندانو کاميابيدل چې د افغانستان د ولس پرځای ورته د بهرنيانو ملاتړ زيات حاصل دی او يايې د کمپاينونو په دوران کې دالري پاکټونه ويشل کيدل، د ولسي جرگې په هکله د افغان ولس گومانونه خراب کيدل، پداسې حال کې چې ددې اوسني پارلمان ډيرې څيرې به په راتلونکو پارلماني ټاکنوکې هم د خپلو بختونو د بيا څليدلو هيله هم لري، دا که سياسي مانور يې وگڼو او يا د ډيرو وکيلانو د بختونو څليدل خو له دې چاڼ څخه لاندې څو حقيقتونه ثابت شول

لومړی: که څه هم ولسمشر کرزي د وزارتونو د شميري د زياتولو حق نلري خو د سواد آموزۍ په نوم د يو جلا وزارت رامينځته کولو سره که له يوې خوا د کرزي صيب په پريکړوکې تعادل راڅي چې تير ځل يې دوه او درې وزارتونه يو ځای کول او داخل يو وزارت دوه کوي. څو يې له خلکو سره د هغوی ستونزه حل يا کمه شي، نو له بلې خوا به په ولسي جرگه کې د باور رايو ورکولو په مهال کې د الله جل جلاله رضا وه - په بله ولسي جرگه کې به په مجموع کې د باطلو رايو شمير نږدې اتيا رايو ته رسيږي چې داخل ټولو نوماندانو وزيرانو ته په ورکړل شوو رايوکې (۷۹) رايي باطلي ختلي، پداسي حال کې چې د ملت استازو خو ددې کار ډير تمرين هم کړيدي، خير دي په سپينو رايو نه غږيږو څکه همتونه په مجموعي تو گه هرچا له لاسه ورکړي دي خو دومره باطلې رايې د منلو وړ ندي.

دوهم: د ولسي جرگې لخوا په ولسمشر کرزي باندي د داسې درانه گوزار رامينځ ته کيدل دا ثابتوي چې د کرزي او ولسي جرگې ترمينځه په مجموع کې يولوې واټن دی چې دا د ولسمشر ناکامي ثابتوي، بايد ولسمشر د ولسي جرگې له غړو سره فکري هماهنگي او نږدې اړيکي ولري، او که د کرزي صيب مانور يې وگڼو نو هم داسي کړنه د ولسمشر د هوډ او ارادې ضعف ثاپتوي.

دريم: له دې وروسته به هرڅوک وزارت ته د کانديدلو شوق هم نکوي، ولې چې که د باور رايه اخستل سياسي بصيرت او کاري وړتيا غواړي نو د وکيلانو د باور لاسته راوړل غټ او ډک جيبونه او د بهرنيانو ملاتړ هم غواړي او فکر کوم چې وروستي شرط پوره کړای شي نو بيا د تحصيل او شهادتنامې اړتيا هم نشته، څکه د تمدنونو(!) او دموکراسيو (!) د ټيکه دارانو لخوا چې د چا ملاوتړپول شي نوهغه بيا د تحصيل او شهادتنامې ته څه اړتيا نلري!!

چالش های تفتیش و بررسی در افغانستان



احسان نکته دان

قسمت سوم

در این قسمت مروری داریم بر مسایل مهم بیرونی ومحیطی که حرفه تفتیش را تحت تأثیر خود قرار داده است.

چالش عدم استقلال (ظاهری وباطنی)

گرچه کلمه تفتیش یا AUDIT همواره با کلمه مستقل INDEPENDENT همراه وتزیین می شود ودر بحث های علمی واکادیمیک این کلمه جزء لایتجزای تفتیش می باشد. به این مفهوم که شخصی که کار بازرسی ویا تفتیش یک نهاد را پذیرفته ویا توظیف شده از نهاد مورد رسیدگی مستقل بوده وهیچ گونه منفعت مستقیم ویا غیر مستقیمی که بتواند بر اظهار نظر وی تأثیر بگذارد ندارد. وهمچنان مفتشان باید از هر لحاظ، چه از لحاظ ظاهری وچه از لحاظ باطنی وواقعی، مستقل باشند تا تأثیر گذاری ای که توقع می رود به اجراءات نهاد مورد بررسی وارد سازد، خدشه دار نشده اعتماد مردم بالای آن سلب نشود. اما طوری که مشاهده می شود علاوه بر این که مفتشان استقلال از نهاد مورد رسیدگی ندارند اکثراً گزارش های تهیه شده آنها نیز طوری تهیه وترتیب می شود که نباید نهاد مورد نظر از آن متضرر شود ویا به بدنامی آن انجامد.

این موضوع در کشور ما به چندی از دلایل وسایر جنبه های فرهنگی در کشور(نظیر پنهان کاری) وابستگی دارد. مفتشان احیانا اهداف شخصی خویش را نسبت به اهداف نهاد مورد نظر ترجیح داده، نمی خواهند این استقلال را حفظ کنند ویا این که شرایط وروابط به وی اجازه نمی دهد که این استقلال را حفظ کند. حتی کوشش به خرج می دهد تا راه را برای استفاده جویان همواره باز وراه های قانونی را برای آنها هموار سازد. واحیانا اگر بخواهد به صورت مستقلانه عمل نموده واقعیت های عینی را بر ملا سازد از طرف شخص ثالثی دچار مشکلات فراوانی خواهد شد. حتی باعث خواهد شد که در عوض اینکه اشخاص دخیل در فساد های مالی به پای میز عدالت کشانده شوند مفتشان خود وادار می شوند، گرچه شواهد کافی هم در اختیار داشته باشند، جهت اثبات ادعای خود به همان جاها مراجعه کنند.

بناء مساله استقلال مفتشان یک امر جدی وچالش عمده محسوب می شود که سد راه مفتشان حق بین وراستکار شده؛ نمی توانند همانگونه که استاندارد های تفتیش وبررسی ایجاب می نماید اجراءات نموده گزارش خود را ترتیب وارایه نمایند. موضوع این است که تفتیش وبررسی بخشی از ارکان اداره بوده در چارت تشکیلاتی آن جا دارد و استقلال کامل از ساختار تشکیلاتی نهاد مورد تفتیش و بررسی ندارد. در حالی که وظیفه تفتیش وبررسی مستلزم استقلال در اجراءات، پلانگذاری وگزارشدهی ونداشتن منفعت (مستقیم وغیر مستقیم) در نهاد تحت بررسی است. تنها اداره کنترل وتفتیش شورای وزیران است که از دیگر واحد های دولتی مستقل بوده استقلال ظاهری خود را تا حدی حفظ نموده است. اما بررسی آنها مشمول صورت های مالی سال ها قبل بوده چندان موثریت ندارد وتفتیش داخلی ادارات که مستقیما تحت اثر خود همان اداره می باشد از همچو استقلال برخوردار نیست. واز نظر ما تا زمانی که به این امر توجه صورت نگیرد وواحد های تفتیش داخلی طبق استاندارد های بین المللی عیار نشوند راه به مقصود نخواهد برد. اگر ما واقعا به دنبال تأثیر گذاری واحد های تفتیش وبررسی هستیم باید موضوع را جدی پیگیری کنیم وبگذاریم تا این واحد ها استقلال در اجراءات، پلانگذاری وگزارشگری خود را داشته باشند. وبگذاریم تا واحد های بررسی، جایگاه واقعی خود را دریابند.

۲– حقوق ومعاشات پایین وغیر کفاف

گرچه موضوع معاشات وحقوق کارمندان واحد های تفتیش وبررسی در بسیاری از ادارات حل است. همه کارمندان آنها از معاشات وحقوق اضافی بهره مند اند ونیازی بیشتر در حال کنونی به افزایش معاشات دیده نمی شود، اما طوری که به مشاهده می رسد نسبت به معاش اکثر ادارات دیگر دولتی که از معاشات استثنایی هنگفتی بر خوردار اند اختلاف فاحشی وجود دارد که بر کسی پوشیده نیست وشاید یکی از علل وانگیزه های فساد در کشور به ویژه عدم درستکاری مفتشان و باز رسان در بعض نهاد ها همین عدم تعادل بین حقوق کارمندان نهاد های دیگر ونهاد تفتیش وبررسی باشد. با این وضعیت چگونه می شود انتظار داشت خدمات بررسی ویا کار های دیگر ادارات دولتی، با کیفیت به انجام رسد واجراءات ادارات بهبود یابد. بدیهی است تا زمانی که نگرش مقامات ذیصلاح در این خصوص تغییر نکرده است امیدی به بهبود خدمات تفتیش وبررسی واعتلای کیفیت آن نیست وواحد های بررسی به ماموریت واهداف خود نخواهند رسید.

ادامه دارد

راتلونکي پارلماني ټاکنې، د ولسمشرۍ او ولایتي شوراګانو د تیرو ټاکنو په هنداره کې

لیکنه: شفیق

د هیواد د اساسي قانون له مخې د ټاکنو خپلواک کمیسیون دنده لري چې د راتلونکي غبرګولي په میاشت کې پارلماني ټاکنې ترسره کړي.

هسې خو دغه نیته له پخوا څخه قانون په ګوته کړیده خو له کوم وخت څخه چې ولسمشر کرزي د څلیرویشتو نوماندو وزیرانو لست ولسي جرګې ته د باور راي اخستلو لپاره لیږلي ؤ نو لخوا دغه مقننه ارګان ته د خپلو کاري پلانونو د څرګندولو په موده کې په رسنیو کې پدې اړه تبصرې او نظرونه ښایې د کوم سیاسي مانور په توګه پیل شوي وو چې بالاخره د تېرې شنبې په ورځ چې کله د باور او نه باور رایې نوماندو وزیرانو ته ورکولې کیدلې نو په رسنیو کې اعلان شوه چې د غبرګولي په لومړۍ نیټهٔ به پارلماني ټاکنې ترسره شي.

دلته پدې لیکنه کې د دې سیاسي مانور په لوړېو او مقصد نه غږېږو، خو هغه څه چې ویل یې پکار دي هغه دا دي، تر څو هغه دموکراسي(!) چې د عامي روغتیا پخواني وزیر، یا په بل عبارت سیاسي انفلونزا د انجنیر په هیروکارانه کردار سره د انفلونزا په وارد کې وروسته له هغې بستر شوې وه چې د کرزي صیب پلویانو د ولسمشرۍ او ولایتي شوراګانو د ټولټاکنو په مهال له بیرحمانه بریدونو لاندې نیولې وه او پخیله معالج طبیب کاي آیده یې هم مرۍ ور خفه کړیوه) بیرته راژوندۍ شي او د آرام ساه واخلي.

خو تر کومه چې د دغه پارلماني ټاکنو په سمه او شفافه توګه په تر سره کولو د باور خبره ده نو ګمان نکوم چې افغان ولس نور پرې باور وکړي، ځکه څمونږ په هیواد کې د مادام العمر ولسمشر په سیاسي نوبتونو داسي یوې سیاسي مافیا په افغان ولس لکه د خپسې منګولې ښخې کړیدي چې نور ښایې په هیڅ شي د باور کولو توان نلري او بیا پداسې حال کې چې ولسمشر کرزي پخپله د دریم ځل (او په حقیقت کې لا د څلورم ځل) ولسمشرۍ احرام هم وتړلو خو ورسره په یوه ورځ بخت آزمایې کوونکو د ولایتي شوراګانو نوماندانو لا تر اوسه د خپل بخت کتنې نتیجه ونشوه لیدلای، ولې چې دولت یې د ترسره شوو ټاکنو نتیجه په رسمي توګه نه اعلانوي، او دا ځکه چې د هر ولایت لومړني نتایج یې اعلان کړي نو په بل ځل اعلانولو کې یې بیا بریالي شوي نوماندان بیرته ناکام شوي دي چې پدې ترتیب د هیواد د ټولو څلوردیرشو ولایتونو د ولایتي شوراګانو د ټاکنو نتیجې هماغسې بې نتیجې دي.

نو کله چې د ولایتي شوراګانو د ټاکنو داسې پایله اوسي څنګه به ولسي جرګې ته د نوماندۍ ور خلک ځانونه کاندید کړي او په اعلان شوې پروسه به باور وکړي، ولې چې راتلونکې خو خلک د ماضي په هنداره کې ګوري.

نو که نړیوالې ټولنې د کرزي صیب او د هغه د موسمي یارانو او پلویانو(!) د نوبتونو په وړاندې خپل همت بایللې وي، نو دې پدې خوریدلي ملت د بې پولې دموکراسۍ(!) نسخې نه آزمایې او ښه په څرګنده دې ووایې چې دموکراسي (!) مړه شوه. څو د افغان ولس طمع نوره وشلیږي او د خپل تپ د رغېدو او درمل لاس ته راوړلو هیله له بل ځای وکړي، ځکه پدې هیواد کې په څلورم ځل د ولسمشرۍ ګدۍ ته رسیدلی. کرزي صیب خو قضائیه قوه (ستره محکمه) خپل ملکیت ګڼي او مقننه ارګان (پارلمان) چې بل جلا څواک دي او ترې طمع کیږي چې د حکومت محاسبه به وکړي هغه یې هم د سیاسي مانورونو د ډلي بل لوبغاړي ګرځیدلی چې په ګډه سره هم ملت غولوي او هم نړیوال.

او د هغې ښه ثبوت د ولسي جرګې لخوا نوماندو وزیرانو ته د باور راې په ورکولو سره هغه چاڼ وو چې لامله یې اوسنیو وکیلانو د ځینو رایو لاسته راوړونکو نوماندانو وزیرانو د پریمانه سخاوت (!) په برکت په میلمستیاګانو کې د ډکو پاکټونو په لاسته راوړلو سره بلې دورې ته هم بیا د ځانونو کاندیدولو انرژي پیدا کړه او په دیره آسانۍ سره به بیا زړه لوبه تکرار شي او د پانګوال نظام د ځانګړتیاو سره سم به چې پکې د پانګوالو په ګټه ټول ولایت یوه انتخاباتي حلقه وي او د ولسوالیو د شوراګانولپاره کاندیدان به هم د همدوې مامورین او د کمپاین ټیمونه وي چې په مټ به یې د درغلیو او د قرنطین کولو د رهبري شوو وسلو کمالونه کاریږي او د زر، زور او تزویر شوم مثلث به یو بل ځل بیا هم پارلمان هم خپل ملکیت وګڼي. نو د تیرو ټولټاکنو به هنداره کې به څنګه راتلونکي پارلماني ټاکنې ملت ته زیري ولري؟

بهانهٔ براي دخالت در......

مواد انفجاری را نیز بداخل طیاره حمل کند. آیا عبدالمطلب به تمام این کارها از روی تصادف که ناشی از سهل انگاری مقامات امریکائی بود توفیق می یابد یا اینکه کاسه ای زیر نیم کاسه پنهان است؟

میدانیم که پس از واقعهء یازدهم سپتامبر، دریافت ویزای سفر به امریکا در کشورهای اسلامی با محدویت های بیشتری مواجه شده است. اینکه عمرفاروق عبدالمطلب که نامش هم در لیست افراد مظنون است و از قبل نیز در مورد اینکه وی قصد حمله دارد، اطلاعاتی به امریکائی ها داده شده بود ویزای سفر به امریکا دریافت می کند و همراه با مواد انفجاری وارد طیاره می شود می تواند به این معنی باشد که وی قبلا از طرف مقامات امنیتی شناسائی شده بود و از قبل تدابیری برای اینکه این حمله کنترول شود گرفته شده بود. حتما مقامات امنیتی می دانستند که مواد انفجاری که او با خود حمل می کند توان از بین بردن طیاره را ندارد. بنابراین بصورت قصدی گذاشتند تا وی کار خود را تا مرحله ای که خطر جدی متوجه طیاره نشود به پیش ببرد و سپس وی را دستگیر کنند.

عمر فاروق عبدالمطلب در نخستین مراحل تحقیق اعتراف کرد که در یمن توسط افراد القاعده آموزش دیده و برای از بین بردن طیاره ای که عازم امریکا بود مامور شده بود. این اعتراف موجب شد تا کشور های غربی، یمن را در قطار کشورهائی که می تواند برای غرب منبع خطر باشد عنوان کرده و در صدد کمک به رژیم علی عبدالله صالح برآمدند.

چرا یمن مهم است؟ این کشور در همسایگی عربستان سعودی قرار داشته کشوری کوهستانی با هوای خوب است که مردمش بیشتر به کار دامداری وزراعت مصروف اند. یمن در شمار فقیر ترین کشور های عرب بوده و میزان بیکاری در آن زیاد است.

این کشور با دو شورش یکی در شمال و دیگری در جنوب دست به گریبان است. در شمال شیعیان زیدی سر به شورش برداشته اند و در جنوب قیام بخاطر دست یابی به توزیع عادلانهء منابع طبیعی این کشور است. القاعده با بهره گیری از وضع نابسامان یمن به ایجاد مراکزی در این کشور پرداخته است. حمله بر کشتی امریکائی یو اس اس کول در خلیج یمن را در ۱۲ اکتوبر سال ۲۰۰۰ میلادی القاعده بعهده گرفت که در آن ۱۷ امریکائی کشته و ۳۹ نفر مجروح گردیدند. رهبر القاعده اسامه بن لادن دراصل تبار یمنی دارد و این مسئله در کشور فقیری چون یمن می تواند مشوقی برای جوانان برای پیوستن به القاعده باشد.

در جنگ با شیعیان در شمال، عربستان سعودی که در همسایگی این کشور قرار دارد به بهانه مصئون سازی سرحداتش با یمن در داخل خاک این کشور به بمباران هوائی دست زده است. این وضع می تواند زمینه ساز رقابت میان ایران و سعودی باشد. ناامنی ها در یمن که در نزدیکی منابع نفت شرق میانه قرار دارد می تواند موجب نگرانی امریکا و غرب باشد. پس بهانه ای لازم بود تا امریکا خود را آسیب پذیر از یمن نشان دهد و در این کشور مداخله نماید.

اکنون امریکا و انگلیس هردو از وضع در یمن ابراز نگرانی می نمایند و به نظر می رسد که پس از عراق اینک یمن بعنوان نقطهء دیگری برای ایجاد بحران مطرح است. بحران در یمن می تواند کشور های نفت خیز را به خرید جنگ افزار تشویق نماید و امریکا و در مجموع غرب که برای نجات از بحران اقتصادی نیازمند انگیزه ای برای تحرک در اقتصاد خویش اند، برای فروش صدها ملیارد دالر جنگ افزار آمادگی کامل دارند.

اما حمایت امریکا از رژیم حاکم بر یمن می تواند این کشور را بیش از پیش بی ثبات سازد. القاعده در افغانستان توان به میدان آوردن تعداد زیادی از جنگجویان را نداشت زیرا افغانستان کشوری محاط به خشکه و رسیدن به آن مستلزم گذشتن از چندین مرز و سرحد بود اما این کار در یمن به سهولت ممکن است.

این جنگ کشورهای محافظه کار در جهان عرب چون سعودی را با چالش های زیادی مواجه خواهد ساخت. هرچند در شرایط فعلی سعودی شاید به این تصور باشد که کمک امریکا به صنعا می تواند به سرکوب شیعیان منجر گردد اما این امکان نیز وجود دارد که امریکا در یمن به مخالفین القاعده بخصوص شیعیان نزدیک تر شود و سعودی را نگران سازد. گفته می شود القاعده از کمک مردم در کشور هائی چون عربستان سعودی برخوردار است و تا این کمک ها قطع نشود، القاعده از میان نخواهد رفت. آیا یکی دیگر از دلایل روی پرده آوردن درامهء یمن، نوعی فشار بر کشور هائی چون سعودی نیست؟

دفاع تیزس ماستري در دانشگاه کابل

بی علاقگی در کار دفاع ماستری دیده می شد که ناشی از رخصتی های بی رویه و دوامدار تحصیلات عالی در کشور می باشد.

در دانشگاه کابل محصلان بخش های دری و پشتو و عربی کمتر مجال تحصیل به کشورهای خارج را به دست می آورند و در داخل کشور نیز شاگردان نخبه و ممتاز که می خواهند به تحصیلات بلند بپردازند، برای شان محدودیت های نیز وجود دارد، در حالی که حفظ هویت ملی، انکشاف و تقویهٔ زبان های ملی کشورما، از اولویت های فرهنگی می باشد. امروز ضرورت احساس می گردد تا انتقال علوم، معارف و تکنالوژی معاصر توسط زبان های ملی کشور، به این جغرافیای سیاسی منتقل گردد.

اکنون متخصصین و کسانی که با دپلوم خویش داخل کشور می شوند یکی از دشواری های کاری آن ها، عدم آگاهی از فرهنگ و زبان است، آن ها قادر نیستند آنگونه که لازم است مفاهیمی را از زبان های خارجی به این زبان انتقال دهند. اگر دولت در پالیسی فرهنگی خویش در این زمینه یعنی رشد و تقویهٔ زبان های ملی تا سطح ماستری و دکتورا در نظر بگیرد و این برنامه ها رونق و اعتبار منطقه یی پیدا نماید، در حقیقت مکلفیت ها و مسوولیت های خود را مطابق مفاد قانون اساسی کشور انجام داده است.

ارتقای انکشاف برنامه ماستری و بالاتر از آن ، امروز در کشور به یک نیاز قابل لمس تبدیل گردیده است. این که ماحصل آن پیشرفت های مادی و معنوی در کشور چه خواهد بود، وجود کشورهای خارجی و کمک های آن ها این امیدواری را برای جوانان به وجود آورده که روزی بتوانند، وارد برنامه های کلان تحصیلات عالی در کشور گردند. اما در شرایط کنونی کشور نمی توان بدون متخصصین بلند مقام و آگاه به امور زبان ، این مهم را به پیش برد، یک چیزی که در طی سال های اخیر در دانشگاه های افغانستان اهمال گردیده است. پرداخت حقوق قابل ملاحظه می باشد که نظام دانشگاه های افغانستان قادر نیستند به استادان بلند پایه بپردازند، متخصصین زبان حاضر نمی شوند با به این حقوق ناچیز به کار تدریس بپردازند. نخست باید کادر های متخصص را در نظام آموزش و پرورش جابجا کرد و آن ها را از دغدغهٔ اقتصادی نجات داد، بعداً به سراغ برنامه های ماستری و بالاتر از آن رفت.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیـــشه هــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔچهل و یکم ۱۹ جدی - ۱۳۸۸ – ۲۳ محرم الحرام ۱٤۳۱ 9- January 2010

بهانه ای برای دخالت در یمن

وحید مژده



در روز کرسمس رسانه های غربی از تلاش ناکام برای انفجار یک طیارهء مسافربری که از آمستردام عازم دیترویت در آیالات متحدهء امریکا بود گزارش دادند. ظاهرا یک جوان نایجریائی بنام عمر فاروق عبدالمطلب تلاش نموده بود تا مواد انفجاری را که با خود داشت در داخل طیاره منفجر سازد اما قبل از اینکه به هدف خویش برسد، توسط مسافران دستگیر شد.

در مورد این جوان گفته شد که وی در انگلستان تحصیل کرده است و مدتی قبل پدرش در مورد رفتار وفعالیت های پسرش مشکوک شده و به مقامات امریکائی در مورد اینکه ممکن است پسرش دست به این عمل بزند اطلاع داده بود.

خبر این حملهء نافرجام توسط رسانه های بین المللی بسرعت در سراسر جهان با آب و تاب فراوان منعکس شد و یکبار دیگر خاطرهء یازدهم سپتامبر را در ذهن مردم امریکا زنده کرد. اوباما بسرعت و قاطعیت عکس العمل نشان داد و تدابیر امنیتی در همه فرودگاههای جهان سخت تر شد. مقامات امریکائی از اینکه چرا سفارت امریکا به کسی که نامش در لیست افراد مظنون بود ویزای سفر به امریکا صادر کرده است سوالاتی را مطرح کردند و مقامات امنیتی امریکا از اینکه از واقعه ای که می توانست جان افراد زیادی را به خطر اندازد قبلا جلوگیری نکردند، تحت فشار قرار گرفتند. امریکا و برتانیه سفارت های خود را در پایتخت یمن به این دلیل بستند که القاعده قصد حمله به این سفارت خانه ها را دارد.

اما واقعا مسئله به همین سادگی بود؟ کسی که پدرش قبلا در موردش به مقامات امریکائی خبر داده است می تواند ویزا دریافت نموده و با خود مقداری ص ۷

فرمان رئیس جمهور!!

همنوا

روز دوشنبه ۱۴ جدی رسانه های کشور از صدور فرمان جدید رئیس جمهور خبر دادند. این فرمان به دنبال نافرمانی ولسی جرگه در شام ۱۲ جدی، صادر گردیده است.

درروز شنبه ۱۲ جدی، ولسی جرگه از جملهٔ ۲۴ وزیر پیشنهادی به هفت نامزد وزیر رأی اعتماد و به هفده نامزد وزیر، رأی عدم اعتماد داد.

این موضوع رئیس جمهور و حامیان او را شدیداً تکان داد و ضربهٔ سخت و هولناکی بر پیکر سیاسی آنان وارد ساخت!

پس فردای آن رئیس جمهور فرمانی صادر کرد تا تعطیلات زمستانی ولسی جرگه معطل و وکلا منتظر بمانند که در اوایل هفتهٔ آینده (روز یکشنبه) بار دیگر وزرا معرفی خواهند شد و وکلا پس از رأی به کابینهٔ پیشنهادی، به تعطیلات زمستانی بروند.

آنچه در این فرمان بسیار مهم است، موضوع و محتوای آن نیست، بلکه لحن آمرانهٔ ان است که به هیچ صورتی شایستهٔ مقام ریاست جمهوری در ارتباط به ولسی جرگه در یک نظام مبتنی بر دموکراسی نمی باشد!

رئیس جمهوری که بر اساس آرای مردم به این کرسی راه نیافته و مشروعیت لازم را از این بابت ندارد، در مقام یک رئیس دیکتاتور فرمان می دهد!

" به ولسی جرگه **هدایت** داده می شود .... از تعطیلات **اجتناب** نمایند!

در نظام های دموکراسی و تفکیک قوا، قوهٔ مقننه یک قوهٔ مستقل و موازی با حکومت است و هرگز تحت امر و فرمان حکومت نیست که به او فرمان و **هدایت** داده شود!

استفاده از تعطیلات زمستانی، حق قانونی نمایندگان مردم است و هرگز نمی توان آن را یک کار ناروا و گناه و عمل خلاف قانون دانست و به نمایندگان دستور داد که از آن **اجتناب** کنند!

معلوم نیست که منشیان و فرمان نویسان رئیس جمهور از معنی و مفهوم همچو کلمات آگاهی دارند یا نه؟ یا قصداً می خواهند و دستور یافته اند تا رئیس جمهور را دیکتاتور معرفی دارند؟!

دفاع تیزس ماستری در دانشگاه کابل به پایان رسید

کار برنامهٔ دفاع تزس های ماستری در بخش های فارسی دری و پشتو در حضور داوران به پایان رسید. دانشکدهٔ زبان و ادبیات دانشگاه کابل که از عمر آن بیشتر از نیم قرن می گذرد این سومین بار است که برنامهٔ ماستری در زبان های ملی و رسمی کشور؛ یعنی پشتو و فارسی دری را تجربه کرده است.

نخستین برنامهٔ ماستری در دو دپارتمنت یاد شده، بار نخست در سال ۱۳۵۶ در دانشکدهٔ ادبیات گشایش یافت و در سال ۱۳۵۸ نخستین فارغان آن از تیزس های خویش دفاع نمودند. این برنامه در زبان های پشتو و فارسی دری بار دوم در سال ۱۳۶۴ در دانشکدهٔ زبان و ادبیات آغاز یافت و ادامهٔ فعالیت های ان در سال ۱۳۶۸ پایان یافت، برای دورسوم برنامهٔ ماستری در سال ۱۳۸۵ در بخش های پشتو و دری به فعالیت آغاز کردتا این که به تعداد ۱۸ تن از مشمولان برنامهٔ ماستری از دپارتمنت دری و ۲۰ تن از دپارتمنت پشتو، از تیزس های خویش در ماه جدی سال روان دفاع نمودند.

برنامهٔ ماستری در دانشگاه کابل و دانشکدهٔ زبان و ادبیات در مقاطع مختلف نظر به بهبود اوضاع سیاسی و نیازمندی ها ایجاد گردیده و با گسست های نیز مواجه بوده است.

برنامهٔ ماستری در دپارتمنت های پشتو و فارسی دری به خاطر بلند بردن سطح و مستوای علمی استادان همکار در دانشگاه های کابل و دانشگاه تربیهٔ معلم کابل، گشایش یافته است.

وزارت تحصیلات عالی لایحهٔ ماستری را بعد از شور و بحث های فراوان در چهارچوب قانون اساسی افغانستان به تصویب رسانید، در این لایحه گفته شده است که سیستم تدریس در دورهٔ ماستری به شکل کریدیت بوده و مشمولان برنامهٔ ماستری باید فیس خویش را بپردازند. زیرا در قانون اساسی، تحصیلات عالی در کشور تا سطح لسانس مجانی بوده و بالاتر از آن، باید محصلان فیس معین را در مقابل تدریس بپردازند.

برنامهٔ ماستری یکی از دستآوردهای حکومت اقای کرزی در طی سال های اخیر در کشور است. با وجود آن که متقاضیان برنامه ماستری در این دو دپارتمنت هر سال افزایش می یابد، اما نظر به نبود بودجهٔ کافی، حق الزحمه برای استادان و شرایط مساعد تدریس، کتابخانهٔ مجهز و غیره، سالیانه تعداد معدود بعد از مصاحبه و ارزیابی دقیق شامل این برنامه می گردند. در صورتی که خاستگاه زبان فارسی دری و پشتو، سرزمین و کشور افغانستان است، جای دارد که متقاضیان برنامهٔ ماستری در زبان های دری و پشتودر این دانشگاه همه ساله پذیرفته شود. و دانشگاه کابل سالیانه بورسیه های تحصیلی به این دو زبان را به کشورهای دور و نزدیک بفرستد.

اوضاع آشفتهٔ فرهنگی و علمی در کشور سایهٔ نامیمون خود را بالای این برنامه در دانشگاه کابل نیزگسترده است. طوری که دیده شد آغاز و ختم برنامهٔ ماستری بازتاب چندانی در مطبوعات کشور نداشت. بلکه یک فضای ص ۷

د القاعدی برې او د سی آی ای ماته

ځپاند

اوس دا څرگنده شوه چې د خوست په پیښه کی (د مرغومی نهمه) د سی آی ای د اتو کسانو د مرگ لامل ، هغه کس وه چې ددی سازمان لخوا، د القاعدی په دننه کی د معلوماتو د راټولولو دنده ورته سپارل شوی وه.

نوموړی کس چې البلاوي نومیده، لومړی د اردن د استخباراتو په شبکه کی تر اعتماد لاندی و او وروسته سی آی ای ته وروپیژندل شوه چې کولای شی د القاعدی په منځ کی د سی آی ای لپاره کار وکړی او د هغوی د مشرانو او په خاصه توگه د دویم کس (ایمن الظواهري) د پټ ځای په هکله معلومات راټول کړی.

دا کس څو ځلی د سی آی ای مرکز ته (په خوست) کی ورغلی او دا ځل له مخکی نه ویلی و چې مهم معلومات یې راوړی دی او د مرکز مهم کسان یه ډیره تلوسه او بی صبری سره د هغه د راتگ انتظار درلود او ټولی دروازې او پیره دارانو ته ویل شوی و چې بی له تالاشی نه هغه ته اجازه ورکړل شی چی په پیره ځان هغه اتاق ته ورسوی کوم چې سي. آي. اي مامورین هغه ته او د هغه د معلوماتو د آوریدو منتظر و.

کله چې هغه دفتر داخلیږی، نو هغه چاودیدونکی مواد ته چې په خپل کمربند کی ځای پرځای کړي و، فشار ورکوي او ډیره درنه چاودنه کیږی چې خورا زیات مرگ ژوبله له ځانه سره لری...

دا چاودنه او د سی آی ای تر پوښښ لاندی د القاعدی د یو غړی دا کارنامه، ټولوته د حیرانتیا وړ وه او نړی یې هک پک کړل.

بارک اوباما اعتراف وکړ چې زمونږ په استخباراتی شبکو کی لوی نقصان شته او باید اصلاح شی.

خلک داسی گومان کوی چې سی آی ای په دنیا کی تر ټولو غټه او منظمه جاسوسی اداره ده او په هر ځاي او په هر نظام او سازمان کی نفوذ کولای شی، مگر وروستی پیښه دا ثابته کړه چې القاعده له سی آی ای نه هم مخکی ده او د هغه په لیکوکی نفوذ کولای شی!